

کارگران جهان متحد شوید!



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-870 120 7768

۱۷۰

۳ مرداد ۱۳۸۲

۲۵ ژوئیه ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

مدفون کردن سرنخهای قتل زهره کاظمی محکوم است!

جمهوری اسلامی زهره (زبیا) کاظمی را امروز اول مرداد ماه در شیراز دفن کرد. علیرغم اعلام موافقت اولیه مادر زهره برای انتقال جسد به کانادا نزد فرزند او، این بار ظاهرا مادر زهره کاظمی را وادار به موافقت دفن او در شیراز کرده اند و جسد او را در همانجا پخاک سپردند. این تلاشی است برای مدفون کردن علامت جنایتی هولناک که بنا به اعتراف دست اندرکاران حکومت، مستقیما بدست جلاّد شناخته شده سعید مرتضوی صورت گرفته است. این دهن کجی به خواست استفان هاشمی فرزند زهره کاظمی و صدها هزار انسان آزاده در سراسر جهان برای تعیین یک گروه تحقیق مستقل برای بررسی این جنایت است و حکومت اسلامی باید تاوان آنرا بپردازد. مرگ دلخراش زهره کاظمی خبرنگار عکاس یک نشریه کانادایی شاهدهی است آشکار بر اینکه حکومت اسلامی ایران یک دستگاه جنایت سازمان یافته است و باید با قدرت مردم در هم کوبیده شود. جهان با این قتل فجیع بیش از پیش متوجه میشود که مردم ایران در چه جهنم غیرقابل تحمیلی گرفتار آمده اند و به زیر کشیدن این حکومت بشریت را از چه هیولای خون آشامی رها خواهد کرد! زهره کاظمی تنها گناهش عکس گرفتن از خانواده زندانیان برای یک نشریه بود و به همین گناه در عرض چند ساعت زیر شکنجه جلاّدان حکومت بدنش متلاشی شد. این جنایت تائیدی است بر اینکه خواست محاکمه سران حکومت اسلامی در دادگاههای بین المللی به جرم قتل صدها هزار انسان، یک خواست برحق و انسانی است و باید مورد حمایت تمام نیروهایی قرار گیرد که ادعای انسان دوستی و دفاع از حقوق بشر دارند. ادامه ارتباط و حمایت دولتهای غربی با چنین جنایتکارانی از سوی مردم تحت ستم ایران بخشودنی نیست.

حزب کمونیست کارگری ایران خواهان محاکمه سران و کارگزاران جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت است. ما خواهان بسته شدن تمام سفارتخانه های جمهوری اسلامی و قطع حمایت و ارتباط همه دولتهای با حکومت اسلامی هستیم. ما خواهان معرفی و تحویل قاتلین زهره کاظمی به دادگاههای بین المللی هستیم. ما همه سازمانهای بشردوستانه، اتحادیه های کارگری، و همه مردم شریف را به اعتراض علنی و گسترده به جمهوری اسلامی فرا میخوانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ ژوئیه ۲۰۰۳ - ۱ مرداد ۱۳۸۲

تظاهرات های توده ای در خارج کشور و سیاست حزب کمونیست کارگری

بخش اول

مصاحبه با اصغر کریمی asqar-karimi@ukonline.co.uk

احزاب اپوزیسیون باشد محصول و انعکاس اوج گیری جنبش سرنگونی در داخل ایران است. کاری که حزب کرد درک این شرایط و انطباق سریع خود با آن بود و با آمادگی بالائی مهر خود را بر آن کوبید. حزب کمونیست کارگری خود از سازندگان این شرایط بود و از نظر سیاسی و تشکیلاتی از آمادگی و انسجام کافی برای رویارویی با این شرایط برخوردار بود.

صفحه ۲

سیاستهای تشکیلات خارج کشور حزب در دوره اخیر و در برخورد به تظاهراتی توده ای چیست؟
اصغر کریمی: آنچه تغییر کرده است همانطور که در سوال هم طرح شده اوضاع سیاسی و اعتراضات مردم ایران علیه جمهوری اسلامی است. ۱۸ تیر دهها هزار نفر در اقصی نقاط جهان علیه جمهوری اسلامی به خیابان آمدند و این با توجه به اوضاع ایران قابل پیش بینی بود. این تظاهرات قبل از اینکه نتیجه فراخوان

هفتگی: ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر امسال در ایران فاصله ای است که مردم از طریق اعتراضات خود عزم خویش را برای سرنگونی جمهوری اسلامی بشبیه ای انقلابی علنا و بدون هیچ واسطه ای تاکید کردند. یک تاثیر این خیزش مردم ایران روی خارج کشور بمیدان آمدن مردم در سطح وسیع و در تظاهراتهای توده ای است که اولین نمونه آن تظاهراتهای ۱۸ تیر در اروپا و آمریکای شمالی بود. در این شرایط رئوس کلی

تشکیل شورا
در یکی از محلات شهر کرکوک
صفحه ۴

اعتراضات
و تجمعات
کارگران
در روزهای
اخیر
صفحه ۴

ناکامی تعرض اوباش اسلامی به
دفتر حزب کمونیست کارگری عراق
صفحه ۴

سومین کنفرانس مدوسا
صفحه ۳

مهرنوش موسوی



قدرتگیری حزب کمونیست کارگری، شرط تحقق آزادی زن

وجود یک جنبش قوی، گسترده و اجتماعی حول مبارزه علیه ستم و خشونت بر زن، یک واقعیت مهم و تثبیت شده اوضاع امروز ایران است. تحولات سیاسی آتی جامعه ایران نمیتواند وجود یک جنبش قوی، گسترده و اجتماعی حول مبارزه علیه ستم و خشونت بر زن، یک واقعیت مهم و تثبیت شده اوضاع امروز ایران است. تحولات سیاسی آتی جامعه ایران نمیتواند بدون رودرویی با مسئله آزادی و حقوق زن، تحولی دگرگون کننده باشد. بدون آزادی زن جامعه آزاد نخواهد شد.

دست یافتن به آزادی و حقوق زن اما، به سرنوشت

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ تظاهرات های توده ای ***

این حزب این شرایط است، ۲۰ سال است خود را برای همین روزها آماده و حدادی کرده است. از همان ۲۰ خرداد ما گفتیم که خارج کشور صحنه تظاهرات های بزرگ خواهد بود و برای ایفای نقش در این شرایط آماده بودیم.

رئوس سیاست حزب بسیج هرچه بیشتر مردم علیه جمهوری اسلامی، شرکت فعال در تظاهرات توده ای و همزمان تلاش برای حاکم کردن شعارهای انقلابی و آزادیخواهانه و مشخصا شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد آزادی و زنده باد برابری در این تظاهرات بود. حزب خود یکی از فراخوان دهندگان اصلی این تظاهرات ها در بسیاری از شهرهای اروپا و آمریکای شمالی بود. و آنجا که فراخوان دهنده نبود نقش فعالی در تظاهرات ایفا کرد. تشخیص و پیش بینی ما این بود که اوضاع ایران خارج کشور را به سمت تحرک بیشتر مردم و تظاهرات های بزرگ میکشاند و این روندی پایدار است. تظاهرات توده ای جای آکسیونهای حزبی را میگیرد و حزب باید در این میدان نقش ایفا کند. دهها هزار نفر از مردمی که آرزوی رها شدن از شر این حکومت را دارند میخواستند همراه با مردم در داخل کشور به خیابان بیایند و فریاد بزنند. میخواستند علیه خفگان سیاه ۲۵ ساله، علیه ظلم و نابرابری، و علیه حکومت مذهبی، مردم را در داخل ایران همراهی کنند. اینها مردم آزادیخواهی بودند که هر کدام با انگیزه ای به خیابان آمده بودند تا به جمهوری اسلامی نه بگویند و عزم خود را برای سرنگونی آن به جهانیان اعلام کنند. حزب کمونیست کارگری نماینده طبیعی این "نه" مردم به حکومت اسلامی و نماینده آزادیخواهی عمیق مردم است، باید حضور وسیع می یافت و خود را و مطالبات آزادیخواهانه مردم را در دسترس آنها قرار میداد. حزب کمونیست کارگری با درکی روشن و با تحلیل درستی که از قیل درمورد تحولات جاری داشت به استقبال این شرایط رفت. ما میدانستیم که آرزوها و آرمانهای انسانی و آزادیخواهانه مردم را ما

بود که با ایفای نقش خود پیروزی شعار سرنگونی بر فراندند را تثبیت و اعلام کرد. دیگر صورت مساله در تحولات سیاسی و معادلات سیاسی ایران سرنگونی جمهوری اسلامی بدست مردم، در خیابان و بشیوه ای انقلابی است. هرچه این شعار جای خود را در میان مردم باز کرده است شعار دست راستی و ضدانقلابی فراندند و نافرمانی مدنی بیرنگ شده و بجز پیروان قسم خورده برخی احزاب دست راستی طرفداری ندارد. شعار فراندند دیگر به یک شعار فرقه ای و حزبی جریان دست راستی تبدیل شده است که برای منزوی نشدن یواش و بی سر و صدا آنرا کنار خواهند گذاشت. هر کس در مقابل سرنگونی بایستد رسماً و علناً مخالفتش را با مبارزه مردم برای سرنگونی رژیم اعلام کرده است. پرده های حائل میان مردم و جمهوری اسلامی، میان سرنگونی و تلاش برای حفظ رژیم تماماً از صحنه حذف شده اند و یکی از مهمترین صف بندی های درون نیروهای سیاسی حول همین شعار صورت میگیرد و تا سرنگونی جمهوری اسلامی همچنان یک شعار محوری باقی خواهد ماند.

شعار آزادی و برابری نیز به یمن تبلیغات وسیع و حضور فعال و گسترده حزب، دوش به دوش شعار سرنگونی گامی مهم به جلو برداشت و بعنوان یکی از شعارهای محوری مبارزه مردم در داخل و خارج جای خود را باز کرد. اگر شعار مرگ بر جمهوری اسلامی بر ضرورت سرنگونی تاکید میکند و مرز میان مخالفین و طرفداران حکومت را ترسیم میکند شعار آزادی و برابری مرز میان چپ و راست را ترسیم میکند. آزادی و برابری چکیده و فشرده مطالبات مهم و سرکوب شده مردم است. آزادی و برابری آرزوی اکثریت عظیم جامعه را بیان میکند. ما برای جامعه ای آزاد و برابر مبارزه میکنیم و باید تلاش کنیم اینها به پرچم مبارزه مردم تبدیل شود. آزادی و برابری و مرگ بر جمهوری اسلامی در حال حاضر متحدکننده ترین شعارهای مبارزات مردم است و اکثریت عظیم مردم را نمایندگی میکند. اگر کسی از اتحاد حرف میزند باید در زیر این پرچم ها حضور بهم رساند. این شعارها یک

ابزار مهم تعرض حزب و خنثی کردن راست هم بود و در عمل حقانیت خود را نشان داد. بنظر من تاکید بر آزادی و برابری نه تنها به معنی کمرنگ کردن حکومت کارگری نیست اتفاقاً در شرایط حاضر مناسب ترین و موثرترین راه برای توده ای کردن آن است. آزادی و برابری مضمون حکومت کارگری و جمهوری سوسیالیستی است و مردمی که آگاهانه این شعارها را انتخاب کنند گام بزرگی بطرف پذیرش حکومت کارگری و جمهوری سوسیالیستی برداشته اند. اما بنظر من آزادی و برابری در شرایط کنونی در مقایسه با شعار حکومت کارگری و جمهوری سوسیالیستی موقعیت و زمینه بسیار مساعدتری برای تبدیل شدن به شعار روز دارد. همانطور که در ابتدای بحث اشاره کردم بخش زیادی از مردمی که به خیابان آمده اند هنوز رهبر واقعی و رادیکال اعتراضات خود را انتخاب نکرده اند. میروند که انتخاب کنند و در هیجده تیر استقبال مردم از آزادی و برابری نشان داد که چقدر جامعه ایران چپ گرا است، چقدر مردم تشنه مطالبات سوسیالیستی اند. چقدر حزب کمونیست کارگری نماینده برحق و شایسته آرمانهای انسانی آنها است. اما تبدیل شدن جمهوری سوسیالیستی و حکومت کارگری به شعار روز مردم احتیاج به خودآگاهی بیشتر، به تعمیق مبارزه طبقاتی و به درجه بیشتری از پولاریزه شدن اوضاع دارد. آزادی و برابری مفاهیم دیرپاتر و رایج تری در ادبیات و در زندگی مردم بوده است، بیشتر در دسترس آنها بوده و با آن سر و کار داشته اند، راحت تر آنرا بیان کرده اند و مطالبه کرده اند. اینها هم مفاهیمی عمیقاً سوسیالیستی است و در حال حاضر دامنه وسیعتر و شمول تری دارد، نه تنها اقشار از نظر اقتصادی محروم جامعه که اکثریت بالائی را تشکیل میدهند، بلکه هر زنی که از نابرابری اجتماعی و حقوقی رنج برده در این شعار خواست خود را میبیند، هر اقلیتی که مورد ظلم و تبعیض قرار گرفته و هر انسان ستمدیده ای در آزادی و برابری آرزوهای بحق خود را میبیند. و درست به دلیل نفوذ این خواستها در عمق جامعه، احزاب سیاسی اپوزیسیون و حتی جمهوری اسلامی به راحتی و آشکار

نمیتوانند در مقابل آن قد علم کنند و در نتیجه راه برای پیشروی آن بازتر است. عملاً هم در هیجده تیر دیدیم که مخالفین قسم خورده آزادی و برابری یعنی بخش عمده اپوزیسیون ملی از راست تا سانترو و چپ نتوانستند با آن مخالفت کنند. مخالفت با این شعار یعنی مخالفت با آزادی یعنی طرفداری از استبداد، طرفداری از نابرابری، طرفداری از تبعیض و بیحقوقی، کدام حزب اپوزیسیون قادر است در ملاء عام با آن مقابله کند؟ در نتیجه بدون سد و مانع، راه خود را در میان توده های مردم تشنه آزادی و برابری باز میکند و جلو میرود. هیجده تیر صحت این سیاست حزب و درایت و تیزی حزب کمونیست کارگری را در عمل اثبات کرد. در بزرگترین تظاهرات خارج کشور این شعار محوری تظاهرات های مردم شد و این یک پیروزی بزرگ برای مطالبات آزادیخواهانه مردم ایران و برای حزب کمونیست کارگری بود. آزادی و برابری محمل پیشروی حزب شد و پیشروی حزب به معنی پیشروی کمونیسم در میان مردم است.

اوضاع متحول کنونی سرعت انتخاب را در ابعاد توده ای تشدید کرده است. همینکه از آزادی و برابری استقبال میکنند به معنی این است که چقدر این شعارها با مطالبات و آرزوهای مردم خوانائی دارد، چقدر جامعه تشنه حرفهای رادیکال است و چقدر زمینه توده ای شدن کمونیسم و سوسیالیسم و حکومت کارگری قوی است، از هر چیز دیگری قوی تر است و تمام تلاش ما و فلسفه فعالیت ما این است که کمک کنیم تا بخش بیشتری از مردم چپ را، سوسیالیسم و کمونیسم کارگری را، و حزب کمونیست کارگری را بجای جریانات بورژوائی و اهداف و سیاست های دست راستی آنها انتخاب کنند. اجازه دهید نکته مهم دیگری را هم به این بحث اضافه کنم و آن اینکه بحث ما اینجا درمورد شعارهایی است که از بلندگو و توسط مردم داده میشود. ما در این تظاهرات با همه پلاکاردهایمان میرویم. حکومت کارگری و جمهوری سوسیالیستی و زنده باد کمونیسم کارگری را هم حمل میکنیم.



از صفحه ۱ قدرتگیری حزب کمونیست کارگری

سواریش را به عنوان آزادی و حقوق زن به کسی بفروشد، رسوایشان کرد، جنبش را به پیشروی فراخوان داد.

حزب کمونیست کارگری، تنها حزب خلاف جریانی است که پرچم خود را وسط میدان مقابله با تعصبات، خرافات مذهبی، سنن عقب مانده، فرهنگ ملی، شرق زده و ضد زن کوبیده است.

منتقد بی تخفیف مذهب در صحنه سیاست ایران حزب کمونیست کارگری است. این تنها حزبی است که اعلام کرده است، جدایی دین از دولت، بیان حداقل ابتدائی ترین خواست مردم است. مذهب زدایی و ستم زدایی

در همه وجوه زندگی انسان در این جامعه تازه با سرنگون کردن رژیم اسلامی آغاز خواهد شد. ما نمی گذاریم مردم را به کم قناعت دهند، ما کل آزادی را، کل برابری را میخواهیم. ما یک دنیای بهتری میخواهیم.

این حزبی است که پیروزی و شکستش بطور ایزکتیو میزان الحراره پیروزی و شکست کل آزادیخواهی و از جمله آزادی زن خواهد بود. در جدالی که جامعه ایران در دل تحولات سیاسی از سر میگذرانند، دست بالا پیدا کردن حزب کمونیست کارگری، دست بالا پیدا کردن شان و حرمت زن، اختیار و حقوق کارگر، حق شادی و رفاه جوانان و همه آحاد مردم خواهد بود.

جنبش آزادی زن، مبارزین راه حقوق زن، بیش از هر زمان باید به قدرت گیری این جنبش و این حزب کمک کنند، به آن بپیوندند، به آن نیرو بدهند، در سنت و روش و شیوه مبارزه این حزب تلاشهای خود را جاری کنند، فراخوانهایش را راهنمای عمل خود کنند و حزب را در مبارزه خود علیه مناسبات حاکم نه فقط انتخاب، بلکه بدل به ابزار مبارزه خود کرده، و تصرف کنند! ■

کل آزادی و به جدال اصلی دو قطب، دو جنبش و دو افق بر سر آینده ایران گره خورده است. از یکسو چپ جامعه ایران، قطب کمونیسم و آزادیخواهی، و از سوی دیگر راست جامعه ایران، پلاتفرم تجدید سازمان مناسبات سرمایه داری، که اساس آن بر مبنای تبعیض، استثمار و ستم است.

این جدالی است که سرنوشت و موقعیت جنبش آزادی زن به تعیین تکلیف با آن گره خورده است. این جدالی است که جنبش مبارزه برای آزادی زن در تعیین تکلیف شدنش میتواند نقش موثر ایفا کند.

قطب چپ دخیل در این جدال، جنبشی است که پرچم احقاق حقوق انسانی، پرچم آزادی و برابری را بلند کرده است. در رأس این جنبش، حزب کمونیست کارگری، تنها جریان دخیل، جدی و با نفوذی است که ستم و تبعیض علیه زن را به مصاف طلبیده، نه امروز، که سالهاست پیشتاز مبارزه در این زمینه است. حزب کمونیست کارگری تنها جریانی است که بدون تردید، بدون لکنت زبان، بی پرده و رادیکال، همه اشکال ستم بر زن را، خواه آشکار و یا پنهان، به مصاف طلبیده است، سیستم مناسبات مردسالار را خواه با پسوند ملی، یا مذهبی و سنتی به جنگ طلبیده است. این حزب یگانه نیروی صحنه سیاست ایران است که پیشروی جنبش آزادی زن، تغییر موقعیت زن و دخالت و موقعیت زنان در اعتراضات و تحولات جاری را امر خود میدانند. حزب کمونیست کارگری، تنها جریانی است که همواره کوشیده است موانع سیاسی شکوفایی و حضور گسترده زنان و جنبش آزادی زن را از پیش پای این جنبش جارو کند، حزبی که نگذاشت، خاتمی و وعده روسری گلدار به جای لغو کامل حجاب و فائزه رفسنجانی و دوچرخه

انقلابی مردم نیست، برعکس تمام تلاششان مسخ کردن این روحیه است. اینطور نیست که انقلاب مردم نمایندگان راست و چپ دارد و مردم میان این نمایندگان باید انتخاب کنند. راست نماینده انقلاب نیست، نماینده انتظار، بند و بست از بالا و به خانه فرستادن مردم و کند کردن انقلاب است. مردمی که بطرف انقلاب میروند لاجرم باید نماینده انقلاب، حزب انقلاب را برای پیشروی خود و تضمین پیروزی خود انتخاب کنند.

حزب طرفدار ائتلاف و اتحاد عمل با هیچ حزب سیاسی دیگری نیست و سیاست ما در مورد جریانات سیاسی دیگر هم تغییری نکرده است. دوره به خیابان آمدن وسیع مردم برای سرنگونی حکومت اسلامی است و سیاست حزب گسترش و تحکیم رابطه با مردم است. همانطور که گفتیم ما با دیدن پرچم جریانات دیگر در این تظاهرات فرار نمیکنیم. میرویم تا پرچم خودمان را به مردم بدهیم. برای این کار نیازی به رابطه خاص با هیچ حزب سیاسی نداریم. سیاست حزب حضور در تظاهرات های توده ای مردم و گسترش رابطه با آنها است نه با گروههای سیاسی. سیاست حزب ائتلاف و اتحاد عمل با توده وسیع مردم است نه با احزاب سیاسی. در عین حال حزب سیاست باز و روشنی در این زمینه دارد. احزاب سیاسی باید آزاد باشند تا با شعارهای خود و با پلاکاردهای خود در تظاهرات شرکت کنند. کسی قرار نیست برای حزب کمونیست کارگری و یا هیچ حزب دیگری اجازه ورود به تظاهرات را صادر کند.

ادامه دارد

آزادیخواهانه ای با اینها تداعی میشود؟ این بحث قدیمی ما بوده است که در جامعه ایران حتی کوچکترین آزادیهای سیاسی و نقد دخالت مذهب در حکومت و آموزش و پرورش هم جزئی از رسالت کمونیسم است. امروز این تئوریه در کوچ و خیابان به پراتیک و خودآگاهی مردم تبدیل میشود. و این گوشه ای از نیروی عظیم کمونیسم کارگری است.

هفتگی: نفس اوضاع جدید باعث شده که خیلی از جریانات سیاسی دیگر نیز امروز شعار سرنگونی رژیم را بدهند و در اعتراضات و تظاهرات مردم شرکت کنند و روی آن تاثیر خود را بگذارند. آیا سیاست حزب در برخورد به جریانات سیاسی دیگر با گذشته تفاوت کرده است؟ مثلاً در سیاست تائکونونی حزب مبنی بر شرکت نکردن در "ائتلاف" با گروههای سیاسی و یا "اتحاد عمل" نکردن با آنها تغییری ایجاد شده است؟ **امغر گریمی:** سیاست حزب در برابر جریانات سیاسی دیگر هیچ تغییری نکرده است. اما قبل از توضیح بیشتر در این زمینه نکته مهمی را باید یادآوری کرد. همه به یاد دارند که تا دو ماه قبل فضای حاکم بر اکثر احزاب اپوزیسیون طرفداری از فرزانم و نافرمانی مدنی بود. اینکه اینها امروز از سرنگونی حرف میزنند آنها را نماینده سرنگونی نمیکنند. این فقط فشار قدرتمند جنبش سرنگونی را و پیشروی آنرا نشان میدهد. اینها نماینده تحرک انقلابی مردم و انقلاب مردم نیستند و شرکت آنها در اعتراضات برای دمیدن در شور

مبلغ و آژیتاتور حزب نیز سقف و محدودیتی برای تبلیغ کمونیسم ندارد. برای ما هر بیحقوقی ای در جامعه، هر نابرابری و تبعیضی و هر ستمی مبنای نقد عمیق و کوبنده از مناسبات ظالمانه و نابرابر کنونی است. هر تریبونی برای مبلغ کمونیست کارگری فرصتی برای نقد رادیکال کل این نظام، کل این سیستم، منشاء نابرابری، ریشه فقر و بیکاری، منشاء خفقان، منشاء بیحقوقی زن و منشاء مذهب و حکومت مذهبی است. هر کس از آزادی، حقوق زن، از سکولاریسم، از برابری و رفاه و خوشبختی تفسیر و توضیح خود را دارد. برای ما همه اینها موضوع نقد سوسیالیستی است موضوع نقد سرمایه و استثمار و کار مزدی است.

و بالاخره نفس وجود و حضور حزب کمونیست کارگری به معنی نفوذ کمونیسم و سوسیالیسم است و گسترش دامنه نفوذ آن به معنی گسترش نفوذ کمونیسم است. بدرجه ای که جنبشی مهر این حزب را بر خود داشته باشد یعنی مهر کمونیسم را بر خود دارد. با آزادی و برابری، با شعار علیه حجاب اجباری، با شعار جدائی مذهب از دولت و آموزش و پرورش، با شعار آزادی بی قید و شرط و با بسیاری مطالبات دیگر مردم نیز، حزب کمونیست کارگری تداعی میشود نه ناسیونالیسم و نه هیچ جنبش دیگری. مگر جریانات مختلف راست بجز پرچم و فرزانم و عکس رضا پهلوی و سرود خاک پاک ایران چه چیز دیگری دارند، کدام مطالبه و شعار مترقی و

سومین کنفرانس مدوسا

*** کمونیسم کارگری و رهایی زن**
*** آینده جنبش برابری طلبانه زنان در خاورمیانه**
*** کمونیسم کارگری و اسلام سیاسی**

آذر ماجدی

۲۳ ژوئیه ۲۰۰۳

تلفن: ۴۰۲۰ ۷۷۴ ۷۰ ۴۶+
۱۲۵۰ ۹۸۰ ۷۷۸ ۴۴+

ای میل:

azarmajedi@yahoo.com
editor_medusa@yahoo.com

عراق اختصاص دارد. همچنین به نقش اسلام سیاسی در سرکوب زنان و تداوم یک زن ستیزی خشن در خاورمیانه میپردازد و بر جایگاه سکولاریسم و نقش جنبش کمونیسم کارگری در تقابل

سومین کنفرانس مدوسا بزودی (حدود دو ماه دیگر) برگزار میشود. این کنفرانس به نقش و جایگاه کمونیسم کارگری در جنبش برابری طلبانه زنان بویژه در رابطه با دو کشور ایران و

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

تشکیل شورا در یکی از محلات شهر کرکوک

این شورا در اولین مصوبه خود کشمکش قومی را رد کرد و بر هویت انسانی اهالی کرکوک تاکید گذاشت

بنا به اطلاعیه حزب کمونیست کارگری عراق، عصر روز جمعه ۱۸ ژوئیه اهالی محله "الاسری" والمفقودین" در شهر کرکوک از زن و مرد اولین نشست مجمع عمومی خود برای برپایی شورای محله شان را در حیاط مدرسه "ساطع البحری" برگزار کردند. طاهر حسن و سمیر عادل از طرف حزب کمونیست کارگری عراق و ناسک احمد از طرف سازمان آزادی زن در عراق در این نشست حضور داشتند. سلیمه محمد صالح مدیر مدرسه و موسی حسین حسن در افتتاح نشست با یادآوری

ضرورت اتحاد مردم و تشکیل مجامع عمومی و با اشاره به مشکلات محله خود بر ضرورت شرکت نمایندگان مستقیم مردم در اداره امور شهر کرکوک تاکید کردند. سپس سمیر عادل در سخنان خود به اوضاع سیاسی عراق و بی توجهی و ناتوانی اداره آمریکا در پاسخگویی به نیازمندیهای حیاتی مردم عراق پرداخت و ناسک احمد در مورد شرایط پرمشقت زندگی زنان در عراق صحبت کرد و مردم را به متحد شدن در ارگانهای توده ای خود نظیر سازمان آزادی زن و اتحادیه بیکاران فراخواند.

شورای مردم محله "الاسری" والمفقودین" کرکوک طی قراری که به اتفاق تصویب شد کشمکش و جنگ قومی میان مردمی که به زبانهای عربی و کردی و ترکمانی و آسوری صحبت میکنند و به یک تهدید جدی برای زندگی مردم شهر بدل شده است را رد کرد و بر هویت انسانی اهالی این شهر تاکید گذاشت. در پایان این نشست هفت نفر بعنوان نمایندگان شورا انتخاب شدند و تصویب شد که نشست دوم شورا دو هفته دیگر برگزار گردد. ■

اعتراضات و تجمعات کارگران در روزهای اخیر

کارخانه پوشینه بافت قزوین:

کارگران این کارخانه نیز خواهان این هستند که شامل قرارداد کارهای سخت و زیان آور باشند.

روز ۳۱ تیرماه کارگران این کارخانه با ارسال طوماری به وزارت کار و روزنامه های مختلف اعتراض خود را اعلام کردند. کارگران خواهان این شده اند که هرچه زودتر به خواست آنها رسیدگی شود.

شرکت سامیکو صنعت همدان:

کارگران سامیکو صنعت همدان در اعتراض به اخراج های دسته جمعی در این کارخانه و بلا تکلیفی کارگران، در هفته جاری در برابر وزارت کار دست به تحصن زدند.

کارخانه پاکریس سمنان:

۲۹ تیرماه کارگران این کارخانه جلوی وزارت کار تجمع کردند و به نپرداختن دستمزدهایشان اعتراض کردند. کارگران همچنین میگویند که این کارخانه در مرز تعطیل قرار دارد و نسبت به بلا تکلیفی خود اعتراض دارند. ۷- کارخانه سیانا ساه: شمار زیادی از کارگران این کارخانه اخراج شده اند و اکنون از حدود ۷۵۰ کارگر این کارخانه تنها ۱۷۰ نفر بر سر کار باقی مانده اند. کارگران این کارخانه در اعتراض به اخراجهای نپرداختن دستمزدهایشان به مدت ۱۰ ماه، هفته جاری در برابر وزارت کار ساهو تجمع کردند و خواهان رسیدگی فوری به خواستههایشان شدند.

از چند شرکت و کارخانه گزارش اعتراضات و تجمعات کارگری به حزب کمونیست کارگری ایران رسیده است:

کارخانه چیت بافکار:

مرداد ماه ۶۰۰ نفر از کارگران کارخانه چیت بافکار در تهران در اعتراض به اخراجهای جمعی در این کارخانه در برابر وزارت کار تجمع کردند و خواهان این شدند که تمامی کارگران اخراجی فوراً به سر کار باز گردند. نیروهای انتظامی به کارگران حمله کردند و کارگران را متفرق نمودند.

شرکت نفت جنوب:

مردادماه کارگران شرکت نفت جنوب در اعتراض به اخراج و بازخیزد شمار زیادی از کارگران دست به اعتراض زده اند. کارگران طوماری را که حاوی خواستههای آنها بود و امضای تمامی کارگران را داشت به وزارت کار فرستادند و خواهان لغو تصمیم به اخراج و باز خرید کارگران شدند. کارگران خواهان پاسخ فوری وزارت کار به خواست خود هستند.

کارخانه سیمان شمال:

روزهای ۲۴ و ۲۵ تیرماه کارگران سیمان شمال در اعتراض به قرار نگرفتن کار آنها در ردیف کارهای سخت و زیان آور دست به اعتصاب زدند. کارگران خواهان این هستند که بیمه و حقوق و مزایای کارهای سخت و زیان آور شامل کارگران این کارخانه شود.

ناکامی تعرض اوباش اسلامی به دفتر حزب کمونیست کارگری عراق در ناصریه

همه فعالین حزب که ربوده و بازداشت شده بودند آزاد شدند

بنا به اطلاعیه حزب کمونیست کارگری عراق، همه کسانی که در جریان رویارویی چند روز گذشته این حزب با اوباش اسلامی باند "مقتدا صدر" و "مجلس اعلا" در ناصریه توسط آنها ربوده شده و یا در بازداشت نیروهای ایتالیایی بودند آزاد شده اند. روز دوشنبه ۲۱ ژوئیه این اوباشان ابتدا در پوشش افراد عادی سه نفر از فعالین حزب را با اسلحه میربایند و همزمان به دفتر حزب تیراندازی میکنند که با تیراندازی متقابل فعالین حزب متواری میشوند. مدافعان دفتر حزب همچنین تیراندازی اوباش اسلامی مقر "مجلس اعلا" را جواب میدهند و وادار به خاموشی میکنند. اسلامیون که در حمله خود ناکام میمانند به نیروهای ایتالیایی که از طرف آمریکا و ائتلاف در ناصریه مستقر شده اند متوسل میشوند و با این دروغ که گروهی مسلح از نقاط دیگر برای عملیات انفجاری به آنجا آمده اند، آنها را به دفتر حزب میبرند. فالین حزب نیروهای ایتالیایی را برای مذاکره با داخل دفتر راهنمایی میکنند ولی آنها دست به بازداشت فعالین حزب و اشغال دفتر

میزنند. سرانجام پس از فشارهای سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق در داخل و خارج، روز ۲۳ ژوئیه هم اوباش اسلامی و هم نیروهای ایتالیایی فعالین حزب را آزاد کردند. فشار حزب برای خارج کردن دفتر حزب از اشغال نیروهای ایتالیایی ادامه دارد. ریویوار احمد لیدر حزب کمونیست کارگری عراق در مصاحبه با رادیو انترناسیونال درباره زمینه های این رویارویی اظهار داشت: در چارچوب اوضاع جدیدی که جنگ آمریکا در عراق ایجاد کرده، از هرج و مرج گسترده اجتماعی تا فقدان امنیت و نبود هر نوع حکومت و نظام اداری، امکانی برای اوباشان اسلامی پیدا شد که به جان مردم بیفتند. آنها زنان را به قتل و اسیدپاشی تهدید کردند، دست به انفجار سینماها زدند و دشمنی شان با هر نشانی از حقوق مدنی انسانها، مدنیت جامعه و شادی و آزادی مردم را آشکار کردند. حزب کمونیست کارگری از همان ابتدا از سه ماه پیش در برابر این توحش اسلامی ایستاد و به آنها اخطار داد، طوریکه نشریه اکونومیست در مقاله ای کشمکش و رودررویی ما با آنها را منعکس کرد و از

حزب ما بعنوان تنها نیرویی که میتوانست در برابر اسلامیون ایستد نام برد. در ناصریه بویژه این رویارویی از زمانی شروع شد که اسلامی ها در تظاهرات هزاران نفری "اتحادیه بیکاران" اخلاص کردند. چشم نداشتند که دفاع ما از حقوق زن و مدنیت جامعه را ببینند، متشکل شدن کارگران را ببینند و به این ترتیب بود که کمپنیسم خودشان را با حمله به دفتر حزب و ربودن رفقای ما به نمایش گذاشتند.

ریویوار احمد اضافه کرد: ما حمله و تعرض آنها را با قاطعیت جواب دادیم و ذره ای از آگاهگری و افشاگریمان دریاره دارودسته های اسلامی کوتاه نیامدیم، اعلام کردیم که اجازه نمیدهیم اینها با اوباشگریشان برای جامعه مزاحمت ایجاد کنند. ما تضمین میکنیم که عراق را از وجود این اولین بار است که در جامعه عراق یک جریان کمونیست ماکزیمالیست در برابر دارودسته های اسلامی ایستاده است و این مساله با استقبال عموم روبرو شده و روحیه مردم را در برابر اوباشگری اسلامی ها بالا برده است. ■

منتشر شد

منصور حکمت

مجموعه آثار

جلد هفتم

از انتشارات بنیاد منصور حکمت

کمپنیم کارگری (۲)

۱۳۷۰ - ۱۳۶۷